

## سفر به سرزمین مغرب

منبع: سایت جرس، روز شنبه، مورخ: ۹۲/۴/۸.

هفته گذشته جهت شرکت در کنفرانس سه روزه «حقوق زنان پس از بهار عربی» و قرائت مقاله‌ی خود تحت عنوان «حجاب در ترازوی اخلاق» عازم کشور مراکش شدم. محققان و شخصیت‌های دانشگاهی متعددی از کشورهای عربی، اروپایی و آمریکای شمالی در شهر تاریخی و توریستی «فاس» گرد آمده بودند تا با یکدیگر درباره مسائل پیش روی کشورهای مسلمان در روزگار کنونی، خصوصاً مسائل زنان، گفتگو کنند.

پس از حلول «بهار عربی» در زمستان سال ۸۹ شمسی که ابتدائاً در کشور تونس سر برآورد و پس از آن دیگر کشورهای عربی از آن متأثر شدند؛ تحولات سیاسی و اجتماعی مهمی در این کشورها رخ داده است. پس از گذشت دو سال و فرونشستن گرد و غبار و تلاطم های اولیه، اکنون بهتر می‌توان درباره کارنامه‌ی «بهار عربی» داوری کرد. در مراسم افتتاحیه‌ی کنفرانس، یکی از سخنرانان گفت ترجیح می‌دهم به جای «بهار عربی» از «خزان عربی» یاد کنم، چرا که این جنبش به غالب خواسته‌های خود نرسیده و از تحقق آرمان‌های خویش بازمانده است. سخنران دیگری تأکید کرد هر چند آنچه از ابتدا مد نظر معترضان بوده به طور کامل محقق نشده؛ اما دستاوردهای کنونی نیز مغتنم و در خور توجه است، که:

هم به قدر تشنگی باید چشید

آب دریا را اگر نتوان کشید

در مصر با سقوط دولت حسنی مبارک، محمد مرسی بر مسند قدرت نشسته که روابط نزدیک و حسنه‌ای با جماعت «اخوان المسلمین» دارد، همچنین اکثریت مجلس مصر در اختیار نیروهای اسلام گراست. تلاش بی‌وقفه‌ی نیروهای اسلام گرا در شرایط کنونی، معطوف به اصلاح و تغییر قانون اساسی مصر است، به نحوی که «قوانین شریعت» در قانون اساسی گنجانده شود. یکی از سخنرانان کنفرانس تأکید می‌کرد که مطابق با ایده‌ی جماعت اخوان المسلمین، اگر قوانین شرعی با قوانین عرفی سکولار تخالف و تصادم پیدا کند، باید شورای فقهی در تصمیم‌گیری نهایی دست بالا را داشته باشد؛ شورای فقهی‌ای که مستظهر به پشتیبانی «الازهر» است و دغدغه‌ها و ملاحظات فقهای این مرکز دینی را در فرایند تقنین و اجرای قوانین مد نظر قرار می‌دهد. این نگرش اخوان المسلمین، اکنون با گنجاندن موادی چند در قانون اساسی جدید مصر لحاظ شده است - بر خلاف قانون اساسی پیشین مصر که شریعت محور نبود. از طرف دیگر، کثیری از جوانان مصری که خصوصاً در جریان اعتراضات میدان التحریر که سقوط دولت مبارک را در پی داشت، نقش آفرینی کرده بودند، همچنین برخی از احزاب سیاسی مخالف، با روند کنونی تحولات و تصمیمات محمد مرسی مخالفند و از طریق شبکه‌های اجتماعی و برپایی تظاهرات‌هایی چند، اعتراضات خود را بیان می‌کنند؛ هر چند نیک می‌دانند که همچنان سه سال از عمر دولت کنونی باقی است و اخوان المسلمین، زمان مکفی برای پیاده کردن ایده‌های خویش در اختیار دارد. بر همین سیاق، یکی از سخنرانان کنفرانس که در دانشگاه استانبول ترکیه مشغول تدریس رشته جامعه‌شناسی است، درباره سیاست‌های دولت رجب طیب اردوغان سخن گفت و توضیح داد که در سالهای اخیر، دولت اردوغان، بر خلاف سالهای ابتدایی حکمرانی، به نحوی از سکولاریسم سیاسی معهود در ترکیه

فاصله گرفته و در اندیشه محدود کردن و تعیین خط مشی برای زندگی شهروندان برآمده؛ از این رو اخیراً با اعتراضات وسیع جوانان مواجه شده که برای مهار آن به ابزار خشونت متوسل شده است. به نظرمی رسد ناآرامی‌های اخیر مصر بی شباهت به آنچه در ترکیه می‌گذرد، نیست.

در تونس نیز با بر افتادن بن‌علی از سریر قدرت، اسلام‌گراها در انتخابات پارلمانی دست بالا را داشته و پیروز شده‌اند. ایشان نیز در اندیشه اندراج قوانین شریعت در قانون اساسی تونس اند. از سوی دیگر غیر دینداران و مسلمانان سکولاری نظیر «راشد الغنوشی» مخالف این امراند و با آرمان و سودای اسلام‌گراها همدلی ندارند؛ از این رو برخی از نیروهای اسلام‌گرا-خصوصاً سلفی‌ها- با مسلمانان سکولار تونس بر سر مهر نیستند و نزاع میان طرفین همچنان ادامه دارد. در عین حال، وضعیت مشارکت زنان در نهادهای دولتی و مساهمت ایشان در تصمیم‌گیری‌های کلان اجرایی در تونس، در قیاس با مراکش و مصر بهتر است.

تحولات سیاسی مراکش، مانند مصر و تونس زیر-و-رو کننده نبوده‌است. اما بازبینی و اصلاح قانون اساسی همزمان با وقوع بهار عربی، در دستور کار دولت مردان و فعالان جامعه مدنی قرار گرفت که با تأیید پادشاه کنونی مراکش محقق شده‌است؛ خصوصاً قوانین مربوط به خانواده و ازدواج و طلاق و حضور زنان در عرصه عمومی. در مراکش، قانون حجاب اجباری نظیر اکثر کشورهای عربی برقرار نیست، در عین حال روزه خواری در ملاً عام در ماه رمضان منع قانونی دارد و اگر کسی آشکارا اقدام به روزه خواری کند، مجازات می‌شود. در واقع، برخی از قوانین شریعت (نه تمام) در قانون اساسی مندرج شده‌است. علاوه بر این، در مراکش شورای فقهی‌ای وجود دارد که متکفل تبیین و نشان دادن تخالف قوانین شریعت با قوانین سکولار است. تشخیص این امر که کدام قوانین عرفی و سکولار با «ثوابت دینی» مغایرت دارد، بر عهده شورای فقهی است، اما نهایتاً پادشاه مراکش است که در سلسله مراتب حقوقی، بر شورای فقهی تفوق دارد و در رأس است و تصمیم‌نهایی برای گنجاندن و یا نگنجاندن رأی شورای فقهی در قانون اساسی را اتخاذ می‌کند. چنان‌که دریافتم، در سالهای اخیر پادشاه مراکش کوشیده توازن و تعادلی میان خواسته‌های شریعت‌مداران و مدرنیست‌ها برقرار کند؛ از این رو سلفی‌های مراکشی‌مشی و مرام پادشاه کنونی را هیچ نمی‌پسندند. به توصیه و تدبیر پادشاه مراکش، چند دهه‌ای است که مراسم عبادت و نیایش متصوفه و اهل سلوک و به اصطلاح «زاویه نشینی»‌های ایشان داخل مساجد برگزار می‌شود، نه در نهادهای مستقلی نظیر «خانقاه»، چنانکه در جامعه ایران رواج دارد. شخصاً در دو محفل از این محافل عرفانی که صوفیان در آن به خواندن اذکار و ادعیه مشغول بودند، در دو مسجد مختلف شهر فاس شرکت کردم و از نزدیک مراسم ایشان را مشاهده کردم. از این رو، اهالی طریقت و تصوف در مراکش با مانع و مشکلی جهت بپا داشتن مراسم سلوکی و آئینی خویش مواجه نیستند و آزادانه دور یکدیگر جمع می‌شوند و احوال خوش باطنی و معنوی را به نحو جمعی تجربه می‌کنند. علاوه بر این، هر چند قاطبه‌ای اهالی مراکش سنی مذهب‌اند، نزاع میان شیعیان و اهل سنت در این کشور حداقلی است؛ چرا که عموم مراکشی‌ها، ائمه شیعیان و در صدر آنها امیرالمؤمنین را در زمره «اهل بیت» پیامبر می‌انگارند و ایشان را دوست دارند؛ از این رو خوشبختانه اندیشه‌های حذف‌گرایانه‌ی سلفی در میان آنها محلی از اعراب ندارد.

عموماً هنگام عبور از بازار قدیمی بزرگ شهر فاس که تودرتو و دیدنی و زیباست و چندین مسجد و بنای تاریخی دارد؛ صدای قرآن از مغازه‌های مختلف به گوش می‌رسد. از کسی که راهنمای من در بازار بود شنیدم که عموم مغازه‌دارهای این بازار قدیمی، نماز ظهر و عصر خود را در دو نوبت جداگانه در مسجد بزرگ بازار که دومین مسجد بزرگ مراکش است، می‌خوانند و غالباً مقید اند که

روزی یک حزب از قرآن را بخوانند یا بشنوند؛ از این رو هنگام عبور از کنار مغازه‌ها، صدای قاری قرآن که به شیوه ترتیل قرآن را قرائت می‌کند، به گوش می‌رسد.

در یکی از شب‌های اقامت در شهر فاس، به اتفاق دیگر سخنرانان شرکت کننده در کنفرانس، به کنسرت موسیقی عرفانی رفتیم؛ بالغ بر هزار و پانصد نفر در این کنسرت که در یکی از قلعه‌های بزرگ تاریخی شهر برگزار شد، شرکت کرده بودند. نغمه‌های دلنشین و هوش‌ربای سازهای مختلف و همخوانی گروهی چند زن و مرد با خواننده اصلی، محفل را فرحناک و معطر و مطرا کرده بود. اشعاری که خوانده می‌شد، متضمن نیایش خداوند، نعت پیامبر گرامی اسلام و خلفای راشدین بود. در این مراسم عرفانی- نیایشی، حضور مردم گسترده و داوطلبانه بود و نیایش عموم حضار با طرب و لبخند و دست زدن همراه بود و رد پای از گریه و ماتم و غم و عزاداری در آن به چشم نمی‌خورد. مادر و دختری کنار من نشسته بودند و هم‌نوا با خواننده‌ی اصلی، اشعاری را که در نعت پیامبر اسلام خوانده می‌شد، زمزمه می‌کردند و کف می‌زدند و حظ معنوی می‌بردند....

وقتی کشور مراکش را ترک می‌کردم، با خود می‌اندیشیدم که سنت دینی در کشورهای اسلامی همچنان قوی و پررنگ است و به قوت در جامعه حضور دارد. تحقق رفرم سیاسی و اجتماعی ماندگار و پایدار در این کشورها تنها در پرتو دیدن و به حساب آوردن همزمان متدینان و غیر متدینان و به رسمیت شناختن سبک‌های زندگی مختلف و بازخوانی انتقادی سنت دینی میسر است و لا غیر؛ یعنی همان که امروزه رفرم دینی نامیده می‌شود. همچنین جهت برقراری همدلی و محبت هر چه بیشتر میان شیعیان و اهل سنت نباید از هیچ کوششی مضایقه کرد؛ که این مهم در شرایط کنونی و با توجه به اخباری که از کشورهای مختلف جهان اسلام می‌شنویم، نظیر حادثه تأسف بار اخیر کشته شدن شیعیانی چند در مصر، از نان شب واجب‌تر است. علاوه بر این، می‌توان در صفات جمالیه خداوند به دیده عنایت نگریست و به استقبال مراسمی رفت که در آن شوق و شعف موج می‌زند و ذکر خداوند و رسول گرامی و اولیاء الله، ورد زبان‌هاست و مؤمنان نه محزون و غمگین و گریان که شاد و زفت و فربه و گلگون‌اند و در حالی که لبخند بر لب دارند، به سر وقت امر بیکران می‌روند و از نشستن در حضور «او» مبهتج می‌گردند و وقت‌شان خوش می‌شود.